این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

اشتباه در نتیجه عبادت

علامه محمدتقی جعفری(ره):
واقعاً گروه زیادی از مردم معمولی و حتی آنان که تا حدودی علم و فضلی تحصیل کرده‌اند، گمان می‌کنند عبادتی که مردم انجام می‌دهند، منفعتش به خدا می‌رسد و خدا هم مانند انسان‌ها سود می‌خواهد و این سود پاداشی است که مردم در برابر کار خدا درباره خلقت به او می‌پردازند. مسلّم است که اینان کلمه خدا را شنیده‌اند و رابطه نامعقول اکثریت مردم را در گفتار و طرز تفکرات و اعمال با خدا ملاک قرار داده، از عظمت و بی‌نیازی مطلق او اطلاعی ندارند.
اینان نمی‌دانند که آن موجودی که نیاز به سود دارد، قطعاً ناقص است و نقص در هر شکل که باشد با ذات خداوندی سازگار نیست، زیرا معنای کامل مطلق این است که هیچ‌گونه نیازی نداشته باشد.
حضرت سیدالشهدا(ع) در دعای عرفه جمله‌ای دارد که عرض می‌کند: «خداوندا تو بی‌نیازتر از آن هستی که به خودت سودی برسانی چگونه من می‌توانم سودی به تو برسانم!»
ولی چه می‌توان گفت که خدای ساخته مغزهای بشری مورد بحث بعضی از متفکران قرار می‌گیرد و درباره چنین خدای موهوم به نفی و اثبات و تردید می‌پردازند.
منبع: کانال تلگرامی «استاد علامه محمدتقی جعفری(ره)» به استناد کتاب تفسیر نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۹

رئیس‌جمهور باید استقلال نظر داشته باشد

رضا پورحسین در توییتی نوشت: باید احساس شود که کاندیدای شایسته، «استقلال نظر» داشته و بر مشاوران و حامیان خود تسلط و نقش راهبری دارد. نباید احساس شود که دیگران او را «دوره» کرده و مدیریت می‌کنند.

جمنای در یک نگاه

کانال تلگرامی «عرصه‌های ارتباطی» اعلام کرد: جمنای (Gemini) یک چت‌بات است که به دست گوگل ساخته شده و جایگزین چت روبات قبلی خود به نام بارد (Bard) شده است. این هوش مصنوعی بر اساس مدل زبان بزرگ (LLM) کار می‌کند که توسط دیپ مایند (DeepMind) بخشی از گوگل توسعه داده شده است. جمنای سه نسخه پرو (Pro)، اولترا (Ultra) و نانو (Nano) دارد. اولترا بزرگ‌ترین مدل است و برای کارهای پیچیده طراحی شده است، در حالی که پرو بهترین مدل برای مقیاس‌بندی در طیف گسترده‌ای از وظایف است و نانو کارآمدترین مدل برای کارهای روی دستگاه.

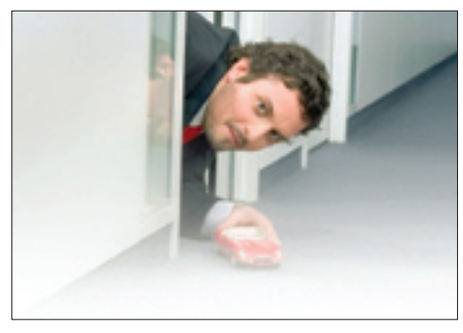

بزرگسالان دست کودکان را از پشت بستند!

کانال «نمافر» در بله نوشت: بزرگسالان برای اولین بار در سه ماهه دوم سال گذشته بیش از هر گروه سنی دیگری برای خود اسباب بازی خریدند و از پیشتاز همیشگی این بازار، یعنی کودکان پیش‌دبستانی نیز جلو زدند.
هزینه کرد اسباب‌بازی مصرف‌کنندگان ۱۸ سال به بالا در بازه زمانی ژانویه تا آوریل به ۱/۵ میلیارد دلار رسید و از جمعیت ۳ تا ۵ ساله به عنوان مهم‌ترین گروه سنی صنعت اسباب‌بازی پیشی گرفت.
کارت‌های بازی، چلوندنکی‌ها (Squishmallows)، محصولات لگو و اسباب‌بازی‌های ورزشی پرتقاضاترین اسباب‌بازی‌ها در این بازه بودند.
این میل فزاینده بزرگسالان به خرید اسباب‌بازی می‌تواند بسیار به صنعت اسباب‌بازی کمک کند، چراکه میزان فروش این صنعت تا ماه آوریل یک درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافته است. البته این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۹ افزایشی ۳۸ درصدی داشته است.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به آزادی حمید نوری و بازگشت به کشور

زحمات شهید امیر عبداللهیان همچنان گره‌گشایی می‌کند

آزادی حمید نوری از زندان‌های سوئد به رغم پرونده‌سازی‌های گروهک منافقین با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. کاربران این بازگشت را حاصل زحمات شهید امیرعبداللهیان و تیم‌شان دانستند که همچنان این برکات در کشور گره‌گشایی می‌کند. کاربران همچنین از لحظه آزادی حمید نوری و عصبانیت منافقین و سرباز - تروریست‌های رسانه‌ای اینترنشنال نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

مصطفی رودکی | ایران

عطیه نوری، دختر آقای حمید نوری:
الحمدلله پدرم بعد از هزار و ۶۸۰ روز اسارت در حال برگشت به میهن است... امروز جای شهید عزیزمون امیرعبداللهیان و رئیسی عزیز خالی است تا نتیجه دیپلماسی قدرتمندشان را ببینند.

مجید نوری، پسر آقای حمید نوری:
بعد از هزار و ۶۸۰ روز، امشب آرام خوابید ولی من دلم نمیاد بخوابم. خدا بهمون عیدی داده شب عرفه. خیلی حرف زدیم، دوران انفرادی را دوره خودسازی می‌داند. به او افتخار می‌کنم. هر چی پرسیدم، گفت خدا. گفت همه چی دست خداست، ما هیچیم. ان‌شاءالله برسیم به این واقعیت که: «مَن کانَ لله کان اللهُ لَه»

زهرا رکن‌آبادی، فرزند شهید رکن‌آبادی:
تا لحظه شناسایی پیکر پدرم، هزار بار این صحنه را در ذهنم تصور کردم... اما نشد... از صمیم قلبم برای خانواده آقای نوری خوشحالم و امیدوارم این اقتدار ادامه داشته باشد و از این پس دیگر همیشه بشود. درود به روح مطهر شهید امیرعبداللهیان و خداقوت به [آقای سیدکاظم غریب‌آبادی].

علیرضا تقوی‌نیا:
آزادی حمید نوری نشان داد: ۱) ایران با اقتدار خواست خود را بر اروپا تحمیل می‌کند؛ ۲) اراده سیاسی بر احکام قضایی برتری دارد؛ ۳) دولت‌های اروپایی خواست اپوزیسیون ایران را بی‌ارزش می‌دانند و به وقتش آنها را دور می‌ریزند و ۴) ایران شهروندان خود را در هیچ شرایطی رها نمی‌کند.

کبری آسوپار:
قصه آزادی حمید نوری، سرانجام یک مقاومت است. مردی که نزدیک پنج سال اسارت را بی‌سازش، بی‌همکاری با منافقین و بی‌هیچ موضعی که ندامت از گذشته باشد، ایستاد و ایستاد و ایستاد و در نهایت با افتخار بازگشت. از عراق تا سوئد، آزادگان ما تروریست‌های منافقین را مأیوس کرده‌اند.
#حمید_نوری

دانیال معمار:
هنوز داریم ثمرات دیپلماسی عزتمندانه و مقتدرانه شما را می‌بینیم آقای امیرعبداللهیان عزیز. #منافقین #حمید_نوری

محمد شیروانی:
مجید آقای نوری، شما و خانواده محترمتون مزد صبر، ایثار و استقامتتون رو گرفتید. شما در مدت زندانی و شکنجه شدن پدرتون باز هم مشغول کوبیدن باطل بودید و لحظه‌ای از زدن منافقین منحوس غافل نشدید... امروز همه ایران خوشحاله. الحمدلله.
#حمید_نوری

حسن عابدینی:
آزادی حمید نوری که حدود پنج سال گروگان غرب بود لکه ننگی برای سیستم قضایی سوئد است. حکم دادگاه کانادا مبنی بر مراقبت استاندارد نداشتن هواپیمای اوکراینی هم رسوایی برای کانادا و اوکراین است. هر دو رویداد بیانگر خطای محاسباتی غرب و پایان تاریخ مصرف ضدانقلاب تروریست و شارلاتان است.

علی بهادری جهرمی:
دو روز پیش عملیات فرانسه علیه گروهک تروریستی منافقین از ایران رصد شد؛ امروز حمید نوری پس از هزار و ۶۸۰ روز از سوئد آزاد شد. ثمرات دیپلماسی عزت رئیس‌جمهور شهید ماندگار است.

حسین دلیریان:
خودش نیست اما همچنان ثمرات دیپلماسی موفقش رو مردم دارن می‌بینند. روحت شاد سردار دیپلماسی ایران. #حمید_نوری

خانم نظم‌الدینی:
نیستید ببینید که تلاش‌هایتان به ثمر نشست و حمید نوری آزاد شد. فراموشت نمی‌کنیم دیپلماسی عزت. یادت همیشه جاوید.

اسکندر باغبانی:
عملیات وعده صادق، آزادی حمید نوری و اسدالله اسدی، انزوای منافقین در آلبانی و فرانسه و پاکسازی غرب کشور از لوث تجزیه‌طلبان حاصل انتخاب سه سال گذشته مردم بود، امروز هم ما نیاز داریم به یک نفر مثل رئیسی تا ادامه دهنده دیپلماسی عزت باشه نه دیپلماسی ذلت.

من فیلسوفم اما موتورسیکلت تعمیر می‌کنم

کانال تلگرامی «آکادمی جام» یادداشتی از دکتر متیو بی. کرافورد، دکترای فلسفه از دانشگاه شیکاگو و تعمیرکار موتورسیکلت و نکاتی را در شرح و بسط آن به اشتراک گذاشت. دکتر کرافورد نوشته است: پول‌های مچاله ته جیبم در تعمیرگاه موتورسیکلت در مقایسه با حقوقی که در شغل قبلی‌ام می‌گرفتم، حس بسیار متفاوتی دارد. پس از اخذ مدرک دکتری در رشته فلسفه از دانشگاه شیکاگو، مدیر اندیشکده (اتاق فکر) واشینگتن شدم. آن روزها همیشه واقعاً خسته بودم و صادقانه بگویم نمی‌توانستم هیچ دلیل منطقی‌ای برای حقوقی که می‌گرفتم پیدا کنم. این سؤال همواره در ذهنم بود که این جا چه محصول ملموس و چه خدمت مفیدی برای کسی انجام می‌دهم؟ این حس بی‌فایدگی واقعاً برایم تحقیرآمیز بود. حقوق خوبی داشتم ولی در حقیقت احساس می‌کردم این حقوق نوعی جبران خسارت است. سرانجام بعد از پنج ماه این کار را کنار گذاشتم تا تعمیرگاه موتورسیکلتم را باز کنم. شاید این جابه‌جایی به خاطر این بود که من واقعاً برای کار دفتری ساخته نشده بودم، اما آنچه بدون شک می‌توانم بگویم این است که در این اتفاق هیچ چیز غیرمعمولی برایم رخ نداده است. من قصه زندگی خودم را برایتان می‌گویم، نه به این خاطر که فکر می‌کنم زندگی خارق‌العاده‌ای داشته‌ام. برعکس، دلیل بازگو کردنش این است که گمان می‌کنم زندگی‌ای کاملاً عادی دارم. هنگام انجام کارهای دستی، همیشه احساس می‌کردم این کارها در مقایسه با مشاغلی که کارهای دانشی نام گرفته‌اند واجد معنای عمیق‌تری از عاملیت و کارایی‌اند. (برداشته شده از آوانگارد)
پشت میزنشین‌ها هر روز صبح سر کارشان می‌روند و روی همان صندلی همیشگی می‌نشینند و به مانیتور و در و دیوار اتاقشان چشم می‌دوزند. همه چیز یکنواخت است: رایانه‌شان، کاغذهایشان و پنجره‌ای که به دیوار ساختمان روبه‌رو باز می‌شود. گاهی احساس می‌کنند جز این صحنه تکراری رابطه‌ای با دنیای واقعی ندارند؛ آنها همان کسانی هستند که از دبیرستان به دانشگاه و سپس به این اتاقک و میز و صندلی هدایت شده‌اند. تا اینجا تفاوتی با نویسنده این کتاب و اغلب کارمندان اداری یا دانشگاهی دیگر ندارند اما متیو کرافورد استاد فلسفه‌ای است که بعد از کار اداری روزمره‌اش پا به دنیای تازه‌ای می‌گذارد؛ به تعمیرگاه موتورسیکلت خودش پناه می‌برد و مشغول تعمیر موتورهای فرسوده می‌شود. او از تجربه فلسفی‌اش در انجام کارهای یدی حرف می‌زند و ما را به سفری برای کشف کار معنادار و لذت‌بخش می‌برد. (برداشته شده از ترجمان)

تحلیل آکادمی جام
کتاب دکتر کرافورد نکات مهم و جالب و بسیار متنوعی دارد اما سه آموزه کلیدی که ما می‌خواهیم آن را برجسته کنیم چنین است:
- نگذارید جامعه برای شما تعیین تکلیف کند. در طول زمان برای ما جاافتاده است که کارهای اداری (یقه سفیدها) شرافت بیشتری دارند. در صورتی که مشاغل یدی مانند مکانیکی، لوله‌کشی و نجاری، نوعی از کار را ارائه می‌دهند که از نظر فکری جذاب، خلاقانه و با پاداش شخصی است، برخلاف تصور عموم که چنین کاری را پست یا بی‌اهمیت می‌داند.
- کار کردن ذاتاً ارزشمند است. کرافورد این ایده را به چالش می‌کشد که کار صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به هدف بیرونی است، مانند دریافت حقوق. او استدلال می‌کند که کار باید از طریق احساس عاملیت شخصی، ارتباط با نتایج ملموس کار و فرصت به کارگیری مهارت معنابخش باشد.
- کار باید تعالی‌بخش باشد. کرافورد بر ارزش کاری تأکید می‌کند که به افراد امکان می‌دهد عمیقاً درگیر شوند، با آن ارتباط برقرار کنند، در آن غرق شوند، از آن لذت ببرند و عاملانه و فعالانه کار کنند، مسئولیت نتایج را بر عهده بگیرند و به دستاوردهای خود افتخار کنند.
معنای کتاب فیلسوفی در تعمیرگاه برای من و شما چیست؟
ما بخش مهمی از زندگی‌مان را صرف کار می‌کنیم حدوداً یک سوم، بنابراین اگر کار ما فقط منجر به دریافت حقوق شود، به گونه‌ای که پس از آن با پولی که به دست می‌آوریم زندگی کنیم به عبارت دیگر ما در حال خودفروشی مدرن هستیم. چه باید کرد؟
حتی‌الامکان به مشاغلی بپردازیم که ارزش واقعی تولید می‌کنند به گونه‌ای که علاوه بر آنکه جیب ما را پر می‌کنند قلب و روح ما را نیز پر کنند. در صورتی که دست ما برای پیدا کردن شغل دلخواه بسته است اما راه پیش روی ما بسته نیست:
۱) جنبه‌های خلاقانه به کارمان اضافه کنیم؛ مانند راننده تاکسی که کل کابین داخل تاکسی را پر کرده بود از نوشته‌های الهام‌بخش.
۲) کاری را که دوست داریم به شغل‌مان اضافه کنیم مانند فروشنده لاستیک ماشینی که اطراف و درون مغازه‌اش را پر کرده بود از گلدان‌های زیبا.
۳) در کنار کار اصلی‌مان ارزش‌های معنادار خلق کنیم مانند آرایشگری که روانشناسی خوانده بود و همیشه پادکست‌های خوب در آرایشگاه پخش می‌کرد و حتی گاهی هم مشاوره می‌داد.
این ما هستیم که به زندگی و کارمان معنا می‌بخشیم.

فرساینده یا رشد دهنده؟

حسین سیستانی در توییتی نوشت: گاهی نامزد منتخب‌مان را [بر حسب علاقه یا منفعت] انتخاب می‌کنیم و در مقام تبلیغ ایشان را شایسته مسئولیت ریاست جمهوری معرفی می‌کنیم و گاهی ابتدا درباره کارویژه ریاست جمهوری و دولت گفت‌وگو می‌کنیم و بعد دنبال مصداق بهینه [اصلح] می‌گردیم؛ اولی فرساینده و دومی رشد دهنده جمهور است!

اقتصاد علم اجتماعی است

سکینه اشرفی در توییتی نوشت: به دوستانی که اتلاف انرژی را مطرح می‌کنند و در نهایت توصیه‌گران کردن انرژی را برای معقول کردن مصرف مطرح می‌کنند و صرفاً بحث‌های تکنیکی عرضه - تقاضا را مدنظر دارند و به جامعه و اثر آن بر کارایی اقتصادی توجه ندارند! اقتصاد علم اجتماعی است، قابل مهندسی کردن نیست.

نگاه متفاوت اسلامی و غربی به یک جمله: «عقیده آزاد است»

کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد «کتاب مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی، صص ۱۰۲-۱۰۰» بیانی از استاد شهید مطهری را به اشتراک گذاشت. شهید مطهری(ره) نوشت: در دموکراسی‌ها مسئله عقیده و فکر را اصلاً به کلی از متن زندگی و از رکن زندگی خارج کردند و به صورت یک امر فردی و شخصی درآوردند. خیلی اسم خوبی هم گذاشته‌اند: «عقیده آزاد است»!
این «عقیده آزاد است» به مفهومی که اینها می‌خواهند بگویند، یعنی عقیده اساساً ارزشی ندارد؛ یک امر شخصی فانتزی است. یک کسی به این دل بسته و خوش است که می‌خواهد گاو بپرستد و تو خوش هستی به اینکه خدا را بپرستی. هیچ فرقی نمی‌کند. همان طور یک نفر خورش قرمه سبزی دوست دارد و دیگری خورش قیمه.
ما اگر می‌گوییم عقیده آزاد است، به این دلیل است که عقیده را جبری نمی‌شود به مردم تحمیل کرد؛ چون عقیده انتخاب است؛ فرد باید با فکرش به یک اعتقاد برسد و بعد هم به آن گرایش و ایمان پیدا کند. اگر می‌شد عقیده را هم به زور به کسی بدهند، می‌گفتیم عقیده هم باید اجباری باشد. مگر بهداشت و تعلیمات اجباری چگونه است؟ چرا آنها که این همه روی دموکراسی تأکید می‌کنند، در مسئله تعلیمات اجباری هرگز یک ذره هم تردید به خودشان راه نمی‌دهند. اگر به آنها بگویید چرا آزادی‌اش را سلب می‌کنید، پاسخ می‌دهند آزادی‌اش را برای خیر و مصلحت خودش سلب می‌کنیم. از نظر ما اینکه عقیده باید آزاد باشد، نه به دلیل این است که عقیده یک امر شخصی فردی است و ارزشی ندارد - که آنها اصلاً مبنای فکرشان این است - بلکه به این دلیل است که عقیده «اجبار بردار» نیست، مانند ملکات فاضله. هیچ کس را با کتک نمی‌شود «امین» کرد. می‌شود با کتک جلوی دزدی را گرفت، یعنی آدمی که خُلقاً دزد است، از ترس دزدی نکند اما نمی‌شود با کتک، کاری کرد که ملکه امانت در او پیدا بشود.

می‌دانید چرا کمالگرا شدید؟

کانال تلگرامی «روان سالم» نوشت: یکی از دلایل کمالگرایی سبک تربیتیه که در کودکی تجربه کردیم. مثلاً در کودکی والدین سختگیری داشتی که انتظار زیادی ازت داشتن و ازت می‌خواستند که خیلی عالی و بی‌نقص عمل کنی: «تو باید شاگرد اول کلاس بشی و نمره‌هات همه عالی باشه!»
تفکر سیاه و سفید یا همه/هیچ داری: «مثلاً همه مردها/زن‌ها مثل هم‌اند. باید همه کارهام رو همین امروز انجام بدم، اگر نشه دیگه هیچ فایده‌ای نداره.»
نظر دیگران برات خیلی مهمه؛ از اینکه دیگران تأییدت نکنند یا قضاوتت کنند می‌ترسی: «مثلاً نکنه همکارم فکر کنه که من نمیتونم از پس مسئولیت‌ها بربیام!»، «اونها فکر می‌کنند که من مامان خوبی نیستم.»
در کودکی والدینی داشتی که مدام ازت انتقاد می‌کردند یا سرزنشت می‌کردند یا دوست داشتن شرطی داشتند: «مثلاً این چه اشتباهیه که انجام دادی؛ مگه عقل نداری؟ من بچه‌های باهوش رو خیلی دوست دارم؛ آفرین پسر زرنگ باهوشم.»
ارزش خودت رو به رسیدن به اهداف و دستاوردهات وابسته میدونی: «مثلاً اگه تو کنکور رتبه خوبی نگیرم به درد هیچ کاری نمیخورم.»
لب کلام: کمالگرایی برای فرار از تجربه شرم می‌آید، شرمی که بهت میگه هر کاری هم که کنی، کافی نیستی!

۶ سؤالی که وقتی از تیم‌تان ناامید هستید باید از خودتان بپرسید

کانال تلگرامی «آکادمی مدیریت» نوشت: نشریه هاروارد بیزینس ریویو در مقاله‌ای با عنوان «شش سؤالی که وقتی اعضای تیم‌تان اعصاب‌تان را خرد کرده‌اند، باید از خود بپرسید»، راهبردهایی برای مقابله با موقعیت‌های اعصاب خردکن هنگام کار با یک تیم را پیشنهاد می‌کند. نکات اصلی که این مقاله به آن اشاره دارد عبارتند از:
۱) قبل از هرچیز از خود بپرسید چه چیزی واقعاً باعث ناراحتی من شده است؟ رفتارها یا اعمال خاص اعضای تیم را که باعث شده کاسه صبرتان لبریز شود، شناسایی کنید. رفتار اعضای مشکل‌دار تیم را و اینکه این رفتار چگونه بر شما و دیگر اعضا تأثیر می‌گذارد، با دقت مشخص کنید.
۲) بعد ببینید آیا شما کاری می‌کنید که باعث افزایش و گسترش مشکل در میان اعضای تیم می‌شود؟ رفتار خود را بررسی کنید و ببینید آیا ممکن است اقدامات شما باعث تشدید مسئله شده باشد. آیا شما قادر هستید با افراد گروه به صورت واضح و صریح ارتباط برقرار کنید؟ آیا انتظارات مختلف شما از اعضای تیم‌تان با یکدیگر در تناقض نیست؟
۳) آیا انتظارات خود را از اعضای تیم‌تان به وضوح بیان می‌کنید؟ اطمینان حاصل کنید که اعضای تیم درک می‌کنند که از آنها چه انتظاری دارید و نقش آنها چیست. ارتباط شفاف می‌تواند از بروز سوء تفاهم جلوگیری کند.
۴) آیا از افراد مناسبی در تیم خود استفاده می‌کنید؟ بررسی کنید که آیا اعضای تیم برای نقشی که به هر یک محول کرده‌اید مناسب هستند یا خیر؟ آیا آنها قادر به انجام وظایفی که برعهده آنها گذاشته شده، هستند؟ آیا آنها مهارت و دانش لازم را دارند؟
۵) آیا منابع و حمایت لازم را برای تیم‌تان فراهم کرده‌اید؟ اطمینان حاصل کنید که اعضای تیم منابع مورد نیاز خود را برای انجام مؤثر کارها در اختیار دارند. این می‌تواند شامل آموزش، تجهیزات و حمایت از سوی مدیریت باشد.
۶) و بالاخره بررسی کنید که برای بهبود وضعیت چه کار دیگری می‌توانید انجام دهید؟ هنگامی که دلایل نارضایتی خود را از تیم‌تان شناسایی کرده و رفتار خود را بررسی کردید، به این فکر کنید که چه کاری می‌توانید برای بهبود وضعیت انجام دهید. شاید با کمی حمایت بیشتر از اعضای تیم، برقراری ارتباط صریح‌تر با آنها یا بازنگری در نقش‌ها و مسئولیت‌های افراد، اوضاع به سرعت بهتر شود.

تصویر منتخب

تصاویری قدیمی از رهبر معظم انقلاب و سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در لباس احرام | از کانال تلگرامی در محضر علما